

یادداشت امروز

این دولت؟!

حسین قدیانی

نه! نمی‌توان نفس کشید، چرا که عدم اهتمام دست‌اندرکاران، «آلودگی هوا» را از یک «موضوع»، به یک «معضل» تبدیل کرده است! مثلاً همین دیروز که بدتر از روزهای قبل، هوای آلوده، رسماً نفس کش می‌طلبد از ریه شهروندان تهرانی! و چه مصاف وحشتناکی است! آنجا که گوشت قربانی، جان آدمیزاد باشد! من آخرین زمستان دولت یازدهم با شما سخن می‌گویم! از پنجره‌های بسته و حنجره‌های خسته و ریه‌های دودآلود! پیرمان کرد این هوا! پیرمان کردند این دست‌اندرکاران بی‌هوا! از روی کار آمدن دولت اعتدال، تنها چند هفته می‌گذشت که از نهادهای شهری، نامه‌ای به آقای روحانی نوشتند در این مضمون که امکان و اختیاریش را بدهید، حل معضل آلودگی هوا با ما، نامه شجاعانه‌ای به نظر می‌رسید! دولت اما در حد یک کلمه هم پاسخی به این نامه نداد! و انگار نه انگار موضوع محل مناقشه، جان شهروندانی بود که ابتدایی‌ترین حق شهروندی‌شان، تنفس در هوای سالم است! آری! جان شهروندان... و همین ماه پیش بود که مراجع رسمی حوزه سلامت، از افزایش آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا خبر دادند! و همین چند روز پیش بود که شاهد ارائه آماری درباره افزایش سکنه به علت آلودگی هوا بودیم! بله البته! آلودگی هوا به شکل امروزی، تنها مختص این دولت نیست، لیکن سخن بر سر دولت اعتدالی است که حتی ناظر بر جان شهروندان هم حاضر به پاسخگویی، آن هم در جواب نامه خیرخواهانه نهادهای شهری نیست! بگذریم که به تعهد قانونی خود مربوط به پرداخت سهم مترو و اتوبوسرانی هم عمل نکرده است! و با این همه سرپه‌هویی، تازه! ادامه در صفحه ۵



با وجود هماهنگی‌های قبلی، در کمیسیون امنیت ملی را قفل کردند
 تا نمایندگان و خبرنگاران فایل صوتی اعتراضات ظریف را نشنوند

نوار غیرمجاز!

عکس: محسن نوروزی - فرد غیرگزارشی خانه ملت

صفحه ۲

تیتراژهای امروز

بازار ارز همچنان در التهاب
 دلار دیروز به ۴۰۴۰ تومان رسید!

**چلچلی
 دلار**



صفحه ۱۶

**نعمت زاده: برخورد
 با نجومی‌ها نباید
 اولویت باشد**

صفحه ۳

به خاطر وضعیت اضطراری هوای تهران
 در روزهای گذشته رخ داد

**افزایش تماس‌های
 تنفسی با اورژانس**

صفحه ۴

چرا دولت جزئیات آمار شگفت‌انگیز
 رشد اقتصادی را اعلام نمی‌کند؟

**آماری که فقط دولتی‌ها
 احساس می‌کنند!**

صفحه ۳

نگاه

**به جیب کارگران
 رحم کنید!**

میکائیل دبانی

سال‌ها پیش در دوران سازندگی، یکی از دغدغه‌های کارگران سازندگی همواره «قانون کار» بود. قانونی که به‌زعم آنان بیش از حد دست و پاگیر و برخلاف منافع صاحبان سرمایه و تولیدکنندگان بود و برای سرعت بخشیدن به رشد و تولید و توسعه باید این موانع از سر راه تولیدکنندگان و سرمایه‌داران برداشته می‌شد. همانطور که همه می‌دانیم دولت‌مردان آن ایام با قانونی کردن قراردادهای موقت کاری عملاً قانون کار را دور زدند و تقریباً جز چند مورد خاص همه پندهای آن را بلا اثر کردند، چرا که پندهای حمایتی قانون کار همه برای نیروی کار با استفاده دائم تعریف شده بود و نیروی کار موقت را پوشش نمی‌داد. استدلال استخدام دائم برای مشاغل دائمی کنار گذاشته شده بود و قراردادهای موقت و سفیدامضا علاوه بر آنکه امنیت شغلی کارگران را به محاق برد، حمایت‌های قانون کار از آنان را هم تقریباً بی‌اثر کرد. هر کارفرما کافی است تا آخر قرارداد نیروی کارش صبر کند (قراردادهای موقت با مدت‌های ۳ ماه، ۶ ماه و در نهایت یک‌سال) و سپس براحتی و بدون هیچ منع قانونی و بدون توجه به وضعیت سنی و معیشتی، با نبستن قرارداد جدید، او را براحتی اخراج کند و خلاص! اگر ۲ مساله «امنیت شغلی» و «میزان دستمزد» را جزو مهم‌ترین دغدغه‌های هر شغالی در نظر بگیریم، با طالع قراردادهای موقت برای بسیاری از کارگران امنیت شغلی غروب کرد و نگرانی فرساینده بیکاری دامنگیرشان شد. میزان دستمزد و افزایش سالانه آن هم مساله مهم دوم است که آنگونه که از شواهد پیداست قرار است با تغییرات جدیدی در قانون کار هدف گرفته شود! در اصلاحیه جدید قانون کار که توسط وزارت کار به مجلس فرستاده شده است مرجع ذی‌صلاح قانونی جاسی بانک مرکزی را در تعیین رقم تورم سالانه کشور گرفته است و این ابهام عمدی معنایی جز به وجود آمدن امکان تعیین دستوری این نرخ ندارد. به عبارت دیگر نرخ تورم سالانه که مهم‌ترین ابزار نمایندگان کارگران در مذاکرات تعیین حداقل دستمزد بوده است براحتی از دستان آنها خارج می‌شود و همان تاثیر حداقلی آنها هم حذف خواهد شد.

ادامه در صفحه ۵

جنگ نیابتی و نظم جدید منطقه‌ای و جهانی

دکتر رضاسراج

یادداشت میهمان
 جنگ‌هایی که دارای وسعت و ابعاد بین‌المللی می‌شوند، نظم موجود را به چالش می‌کشند. در پایان این جنگ‌ها نظم موجود تغییر کرده و فاتحان تعیین‌کننده نظم جدید خواهند شد. در مراحل استقرار نظم جدید پس از اتمام جنگ‌ها در جهان باید به موارد زیر اشاره کرد:
 ۱- نظم وستفالیایی پس از جنگ‌های ۳۰ ساله اروپا
 ۲- نظم موازنه قوا پس از جنگ‌های ناپلئونی
 ۳- امنیت دسته‌جمعی پس از جنگ اول جهانی
 ۴- نظم دوقطبی پس از جنگ دوم جهانی
 ۵- نظم نوین و تک‌قطبی پس از پایان جنگ سرد
 ۶- نظم هژمونیک پس از جنگ عراق و افغانستان
 ۷- نظم چندقطبی و منطقه‌گرایی پس از جنگ نیابتی
 جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی در اروپا (۱۶۴۸-۱۶۱۸) منجر به پیمان وستفالی میان کشورهای اروپایی شد. وستفالی نخستین پیمان صلح چندجانبه پس از رنسانس در اروپاست. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار مطرح شد و مورد پذیرش قرار گرفت. شاخص عمده دوره وستفالی پیدایش، رشد و تکوین دولت‌های ملی است که انحصار بازیگری روابط بین‌الملل را به خود اختصاص دادند. این قدرت‌ها توانستند قدرت‌های غیراروپایی نظیر امپراتوری چین، ایران و عثمانی را به حاشیه رانده یا مقهور قدرت خویش کنند. بدین‌سان نظم وستفالیایی نظمی اروپایی بود که به‌آرامی به سراسر جهان تسری یافت. نظمی که بعد از معاهده وستفالی بتدریج شکل گرفته بود بر اثر جنگ‌های ناپلئون و اصرار وی بر استقرار نظم فرانسوی بر نظام بین‌الملل در هم‌ریخته شد. پس از شکست وی لازم بود نظم نوینی پایه‌ریزی شود. نظم جدید با پایان جنگ‌های ۷ ساله (۱۷۶۳-۱۷۵۶) پس از کنگره وین توسط ۵ قدرت اصلی یعنی انگلستان، روسیه، فرانسه، اتریش و پروس شکل گرفت. در جنگ‌های ۷ ساله موازنه قوا به‌عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده بود. از همین رو بعد از سقوط ناپلئون نیز این مهم پایه اصلی نظم جدید شد. در این دوره حافظ اصل توازن قوا، اتفاق قدرت‌های اروپایی است که به «کنسرت اروپا» مشهور شد. بدین مفهوم که هر گاه کشوری بخواهد توافقات کنگره وین را نقض نماید با واکنش هماهنگ سایر قدرت‌ها روبه‌رو خواهد شد. این کنسرت اروپایی تا پایان قرن نوزدهم ادامه یافت.



**فیلم
 چشم‌انداز
 چشم‌انداز**

فیلم «چشم‌انداز» اثر محسن نوروزی
 در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های
 مستند و اسنادی تهران
 به نمایش درآمد

روپا از ۱۹۰۷ به ۲ بلوک تقسیم شد و تضادها بین دو بلوک روزبه‌روز فزونی یافت. از سال ۱۹۱۱ اروپا عملاً وارد مرحله صلح مسلح و جنگ اجتناب‌ناپذیر شد. پس از پایان جنگ اول جهانی، کنفرانس ورسای کنسورهای درگیر در جنگ را به ۲ دسته فاتح و مغلوب تقسیم کرد. فاتحان سال ۱۹۱۹ توافق کردند صلح را برقرار کنند و بدین ترتیب سیستم امنیت دسته‌جمعی در سال‌های محدود بین ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۰ برقرار شد. اشتباهات عهدنامه ورسای، پیامدهای بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ و رقابت سیاسی فاشیسم و دموکراسی‌های غربی و مارکسیسم، منجر به جنگ دوم جهانی از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ شد. این جنگ علاوه بر اروپا، در بخش‌های گسترده‌ای از قاره آسیا و آفریقا آثار مخرب عمده‌ای برجای گذاشت. شمار تلفات نظامی این جنگ بیش از ۲۳ میلیون نفر و تلفات غیرنظامی آن بیش از ۲۶ میلیون تن بوده است. فروپاشی نظام چندقطبی و شکل‌گیری نظام دوقطبی شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا، رنگ باختن نفوذ قدرت‌های اروپایی مانند انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان در سیاست‌های بین‌المللی و شروع جنگ سرد به‌عنوان صحنه رقابت دو بلوک در قالب اتحادیه‌ها و پیمان‌ها، از تأثیرات جنگ دوم جهانی بر محیط بین‌الملل بود. پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، ایالات‌متحده به تعریف ماهیت و آینده ساختار نظام بین‌الملل در چارچوب نظام جدید تک‌قطبی پرداخت. آمریکا برای تعیین نقش محوری و اشتگتن در روند نظم نوین، شروع به مداخله و جنگ‌افروزی کرد اما با شکست در افغانستان و عراق در تثبیت «نظم نوین» و ارتقای آن به «نظم هژمونیک» (رهبری و برتری) ناکام ماند. از همین رو برای مهار قدرت‌های جدید جهانی به جنگ نیابتی مبادرت ورزید.

ادامه در صفحه ۵